

بقلم آقای سعید نفسلی

یادداشتها در اطراف تاریخ گیلان

* بقعه سلیمان داراب در مغرب رشت *

بقاع مشایخ و اولیاء و پیشوایان طریق و مسالك در ایران بسیار است: در هر گوشه مملکت ما شهدی و مزار است که مردم آن ناحیت بر آن حرمت میگذارند و نسل بعد نسل در پایداری و آبادانی آن همت گماشته اند ولی عموماً این مشاهد و بقاع چندات خدمتی به تاریخ ایران نمی کند زیرا بندرت کتیبه ای یافت می شود که شخصیت آن مدفون را بنمایاند و بهمین جهت اغلب مبالغه و اغراق در حق صاحب آن مزار کرده اند و آنچه بسا شیخی یا زاهدی و یا فقیهی را امام زاده خوانده اند: در گیلان آنچه از بقاع و مشاهد در این سفر چند روزه دیدم بر عکس مقابر سایر نقاط ایران است: در هر مزاری به کتیبه کهنه ای بر خوردم که هر يك از آنها سطری بر تاریخ گیلان میافزاید؛ عجالتاً تا

تاریخ این ایالت برومند ایران بدقت تام مدون شود و بز
مفاخر ایران چیزی افزوده گردد لازم شمردم مطالعات و تتبعات
خویش را در بقاع و مشاهد گیلان در این صحایف ثبت کنم :

بقعه سلیمان داراب در بیرون شهر رشت بسوی مغرب واقع
است. بعد از آنکه قبرستان های داخل شهر پر شده از دو سه
سال پیش چند قبری در اطراف این بقعه احداث شده است
بنای بقعه در میان جلگه غربی شهر و در مجاورت باغها
و گردش گاه های بیرون رشت است.

در گیلان همیشه عادت بوده است که این قبیل بقاع را بر صفت مرتفعی
که تقریباً یک ذرع از سطح زمین ارتفاع دارد بنا می کرده اند. شاید
دلیل آنست که بنا از رطوبت زمین محروس باشد و پایدار
بماند. بقعه سلیمان داراب هم بر چنین صفتی ساخته شده
است. بنائی است از آجر که در زمان های اخیر تعمیر شده
زیرا که درها و گچ بریهای آن از قدیم نیست.
سقف بنا از سفالست (مثل تمام ابنیه گیلان) و این
بقعه عبارتست از اطاق مربعی که به چهار طرف در دارد و چهار
ایوان در اطراف آن واقع شده. در وسط اطاق صندوقی از

چوبست که بر سر قبر گذاشته اند. این صندوق از چوب جنگلی سختی ساخته شده که بمرور زمان برنگ قهوه‌ای بدل گشته است. طول صندوق دو متر و ۶۱ سانتی‌متر. عرض آن یک متر و ۱۶ سانتی‌متر ارتفاع ۹۳ سانتی‌متر. این صندوق روی صدف دیگری از چوب گذاشته شده که ۴۱ سانتی‌متر ارتفاع از کف اطاق دارد و از اطراف ۴ سانتی‌متر و نیم بزرگتر از صندوق است. جبهه صندوق رو بشمالست و در آن دو قسمت کتیبه است که از طرفین نقر کرده اند و در میان آن گل و بوته است که بشکل برجسته و منبت ساخته اند. کتیبه بخط نسخ جلی و بارتفاع ۵۵ سانتی‌متر است. عین عبارات آن بدین قرار است:

« قدام رب جعل هذا الصندوق المبارك السلطان العادل الكامل العاقل قدوة امراء العظام انیس الخواقین الفخام المختص بعواطف الله الملك العلام المؤید بتأییدات الملك المنان سرافراز سلطان خلد الله تعالى ظلال سعادتہ و رفعتہ و جلالته وعظمتہ و اقباله العالی للمرقد المعطر و القبر المنور للشيخ المرحوم المغفور و السالك المبرور زبدة المشايخ العظام

و اسوة « ۱ » ارباب الحقایق فیما بین الانام الشیخ الفاضل
السالك الكامل پیر سلیمان بنی الدار الرشتی جعل الله تعالى
من الامنین الفایزین الذین لاخوف علیهم و لا هم یحزنون فی
ذی الحجة سنه ثلث و خمسین و تسعمائه قبل الله تعالى من السلطان
العادل مد ظلاله العالی هذه المبرة و سایر المبررات والخیرات
و رزقه يوم القيامة المراتب العظمی و الدرجات الكبرى و
خلد الله ظلال عظمته وسعاده و جلالته فی الدنيا علی ما یهواه
و تیمنا و ضاعفه الحسنات . »

متأسفانه در باب شخصی که در این بقعه مدفون است در
کتب متداول با آنکه بسیار تفحص و تصفیح کردم چیزی نیافتم . ولی
از القاب و عناوینی که بر سر قبر او منقور است معلوم میشود
که سلیمان داراب (بطوریکه اهالی رشت می گویند) یا شیخ
پیر سلیمان بنی دارای رشتی [چنانکه بر سر قبر او مسطور
است] از مشایخ قرن دهم هجری بوده و عنوان « شیخ فاضل
سالك کامل » می رساند که از زهاد و عرفای زمان خویش بوده و
چون صندوق مزاروی در شهر ذیحجه سال ۹۵۳ هجری ساخته

شده است قطعاً از مردم نیمه اول قرن دهم بوده و در همان حدود رحلت کرده است یا اینکه چند سال پس از درگذشتن وی این صندوق را بر سر تربت او گذاشته اند.

اما سر افراز سلطان بانی این صندوق فقط در یکجاذگری از وی توان یافت و آن در کتاب تاریخ گیلان تألیف عبدالفتاح فومنی است (۲) و آن در ذکر وقایع سال ۹۴۵ هجریست که پس از ذکر گرفتاری مظفر سلطان والی گیلان در تبریز در زمان سلطنت شاه طهماسب اول صفوی « ۹۳۰ - ۹۸۴ » و ظهور هرج و مرج و فتن در ولایت بیه پس که امیر سلطان محمد کهدمی بدعوی خویشاوندی بان مظفر سلطان و خونخواهی او و وراثت حکومت گیلان و توافق بنا بر مردم بیه پس بشهر رشت آمد و ذکر آن وقایع مینویسد: « در اثنای این حالت حکم شاه طهماسب بخان احمد رسید (خان احمد خان معروف که

(۲) تاریخ گیلان تألیف عبدالفتاح فومنی طبع مستشرق شهر روسی برن هارد

دارن پترز بورغ ۱۲۷۴ - ص ۱۹ -

Abul-Fattah Fumeny's geschichte von Gilan. von B. Dorn. St Petersburg. 1858. P. 19 (Persischen text) .-

مدت ها در لاهیجان بساط سلطنت داشت و عاقبت منهزم و فراری
شد) که الکای بیه پس را متصرف شده باج و خراج که
مظفر سلطان هر ساله میداده روانه نماید . خان احمد خان والی
بیه پیش گیلان در باب تسخیر و تصرف مملکت بیه پس در
حرکت آمده بتاريخ هفدهم جمادی الاول سنه خمس و اربعین و
تعمایه (۹۴۵) سر افراز سلطان چنگ را سردار لشکر بیه پیش
نموده با بیست هزار کس پیاده و سواره بقصد جنگ و جدال بر
سر امیره سلطان محمد و پسرش بیه پس فرستاده در سیاه
رود بار رشت تقارب فریقین دست داده جنگ عظیم اتفاق افتاد
از مردم بیه پس پنج شش هزار نفر از صحرای سیاه رود بار
تا کنار سمسام بجار بقتل رسیدند و شکست عظیم بلکش بیه پس
افتاده سلطان محمد و پسرش امیره شهنشاه..... در معرکه
جنگ و میدان نام و ننگ بضرر تفنگ بقتل رسیدند
و باقی لشکر بیه پیش بفرموده خان احمد بلده رشت و توابع
را بنا بر نا فرمانی از بلوکات نزدیک غارت و تالان کرده و
عمارات اعیان و مردم را سوزانیده از خرابی خسران « مآب »
دقیقه فوت و فرو گذاشت نگردید

از این عبارات معلوم میشود که سلطان سر افسر از چپک در هفدهم جمادی الاول ۹۴۵ از طرف خان احمد خان به سرداری لشکر بیه پیش منصوب شده و بایست هزار نفر قشون به جنگ سلطان محمد و پسر او امیر شهنشاه مامور گشته است و در سیاه رود بار اطراف رشت با امیر مزبور و قشون او که از مردم بیه پس مرکب بوده است جنگ کرده و پنج شش هزار نفر از قشون مخالف را نابود ساخته و بالاخره امیر محمد کهدمی و پسرش را کشته است و شهر رشت و توابع را بتصرف خود در آورده و در ضمن بجزق و قتل و غارت پرداخته است. بیش از این دیگر چیزی از احوال سلطان سرافراز در کتب تاریخ ثبت نشده ولی *تال جامع علمای بقعه سلیمان داراب* اهمیت فوق العاده ای که دارد اینست که سطر روشنی بر تاریخ گیلان میافزاید و مسلم میکند که سلطان سر افراز تا هشت سال و شش ماه و سیزده روز پس از آن تاریخ بر شهر رشت و اطراف آن تسلط داشته (یعنی از زمانیکه بسرداری لشکر خان احمد خان و فتح رشت مامور شده) زیرا که در ماه ذی الحجه سال ۹۵۳ این صندوق را بنام او ساخته اند (در صورتیکه در غره ذیحجه

ساخته باشند ۸ سال و ۶ ماه و ۱۳ روز میشود) و در ضمن
نکته دیگر که از کتیبه این صندوق بر میآید اینست که سلطان
سرافراز مزبور دعوی دیگری غیر از سپاه سالاری قشون بیه پیش
داشته است زیرا که البته برای سردار قشون آنهم قشون خان
احمد خان که خود اغلب مطیع شاه طهماسب بوده است این
القاب دور و دراز: «سلطان عادل کامل عاقل قدوه امراء العظام
امین خواقین الفخام مختص بعواطف الله الملك العلام ومؤید
بتأییدات ملك المنان» و در آخر اسم او «خلد الله تعالی
ظلال سعادت و رفعت و جلالت و عظمت و اقباله العالی»
نمی نویسند. یا سلطان سرافراز دعوی دیگر داشته است یا
اینکه معاصرین او بسیار متملق و او هم بغایت تملق دوست بوده
است. در هر صورت نکته دیگری که مسلم میشود اینست که سلطان
سرافراز در ضمن اینکه ستمگر بوده و بشهر رشت آسیب
رسانده است خیراتی از خویش گذاشته است و همین صندوق
قریب شیخ پیر سلیمان بنی دارا باعث میشود که نام نیکی از او بماند.

